

تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)-۵

**پناهیان: حتی آدم‌های هوسران هم نمی‌توانند از مبارزه با نفس فرار کنند/ اگر در جایی که لازم است، مبارزه با نفس نکنیم، مجبور می‌شویم در جایی که اجری ندارد مبارزه با نفس کنیم / فراگیری «رنج»، کمک خدا برای مبارزه با نفس/ مبارزه با هوای نفس مانند نخ تسبیح، تمام معارف دینی و توصیه‌ها را به هم پیوند می‌دهد/ اصلی‌ترین و تنها کار ما در طول زندگی، مبارزه با هوای نفس است**

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان، شبهای ماه مبارک رمضان در اولین ساعات بامداد (حدود ساعت ۲۴) در مسجد امام صادق(ع)-جنب میدان فلسطین، به مدت ۳۰ شب و با موضوع «تنها مسیر(راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی)» سخنرانی می‌کند و پایان بخش برنامه شبهای این مسجد، دقایقی مداحی و سپس مناجات حجت الاسلام علیرضا پناهیان از ساعت ۱ تا ۳:۱۰ بامداد است. **در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در پنجمین جلسه را می‌خوانید:**

**هواپرستی مقابل خداپرستی/ اصلی‌ترین و تنها کار ما در طول زندگی، مبارزه با هوای نفس است/ مبارزه با هوای نفس مانند نخ تسبیح، تمام معارف دینی و توصیه‌ها را به هم پیوند می‌دهد**

- اساساً در مقابل خداپرستی، یک پرستش کلیدی وجود دارد که هواپرستی است. لذا مبارزه با هوای نفس، نظام دین است و مانند نخ تسبیح، تمام معارف دینی و توصیه‌ها را به هم پیوند می‌دهد. اصلی‌ترین و تنها کاری که ما همیشه در طول زندگی خود داریم، مبارزه با نفس است. ولی ما غالباً به این مسأله توجه نداریم و بسیاری از انرژی‌های ما به دلیل پرداختن به موارد غیر اولویت‌دار، هرز می‌رود، در حالی که فقط باید یک موضوع را مراقبت کنیم و آن هم مبارزه با نفس است.
- متأسفانه توجه لازم به مسأله جهاد با نفس در اکثر آدم‌ها نیست و تلقی درستی از این معنا وجود ندارد. در حالی که پیامبر اکرم(ص) اوج اعمال خوب را که جهاد در راه خداست و در آن قله رفیعی به نام شهادت هم وجود دارد را «جهاد اصغر» نامیدند و جنگ کردن با تمایلات درونی را جهاد اکبر نام نهادند. (عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنْ النَّبِيَّ صَلَّى صَبَّحَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ؛ کافی/۱۲/۵)

**اینکه همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر در رنج آفریده شده‌اند، کمک می‌کند رنج‌ها را راحت‌تر تحمل کنیم**

- جهاد بانفس کار سختی است ولی شما که می‌خواهید با دوست‌داشتنی‌های خود مبارزه کنید، در این راه تنها نیستید. خداوند، دنیا و نظام هستی هم شما را در این مبارزه کمک می‌کنند. اینکه همه انسان‌ها اعم از خوب و بد، مؤمن و کافر همه در رنج آفریده شده‌اند، کمک می‌کند که شما رنج‌ها را راحت‌تر تحمل کنید.
- خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (سوره بلد/۴)؛ یعنی همه انسان‌ها در رنج آفریده شده‌اند. اگر کسی بی‌دینی کند، رنج خودش را کاهش نمی‌دهد و اگر کسی دینداری کند، رنج او افزایش نمی‌یابد. سختی و رنج در مسیر زندگی انسان‌ها تا لحظه مرگ و ملاقات خدا وجود دارد و این در هستی و خلقت انسان تعبیه شده است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (سوره انشقاق/۶) یعنی ای انسان! تو پیوسته با تلاش و رنج فراوان به سوی پروردگار خود حرکت می‌کنی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد.

از مبارزه با نفس نمی‌توان فرار کرد/ اگر در جای لازم، مبارزه با نفس نکنیم، مجبور می‌شویم در جایی که اجری ندارد مبارزه با نفس کنیم

- زجر کشیدن قطعاً برای همه انسان‌های خوب وجود دارد و هیچ کس نمی‌تواند از مبارزه با نفس فرار کند. حتی آدم‌های هرزه و هوسران هم نمی‌توانند از مبارزه با نفس فرار کنند و بالاخره در مواردی ناچار می‌شوند از برخی از دوست‌داشتنی‌های خود صرف‌نظر کنند یا با برخی از خواسته‌های دل خود مبارزه کنند.
- اگر شما در جایی که لازم بوده مبارزه با نفس کنید، مبارزه نکردید، قطعاً در جای دیگری مبارزه خواهید کرد. اگر شما در جایی خودتان را کنترل نکردید، قطعاً در جایی دیگری مجبور می‌شوید خودتان را کنترل کنید با این تفاوت که دیگر اجر و پاداشی نخواهد داشت. لذا بهتر است که انسان در همان جایی که دستور و تکلیف الهی وجود دارد، مبارزه با نفس کند.

**یکی از کمک‌های خدا به مؤمنان برای مبارزه با نفس، قرار دادن سختی برای همه (مومن و کافر) است**

- خداوند می‌فرماید: «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرِّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقُفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ» (سوره زخرف/ ۳۳) یعنی خداوند بیان می‌کند که اگر نمی‌خواستیم این‌طور باشد که همه مردم را به یک چشم نگاه کنم، کاری می‌کردم که سقف خانه‌های کافران از نقره ساخته شود، یعنی کاری می‌کردم که مؤمنان در دنیا سختی بکشند و کافران راحت باشند، به مؤمنان بلا می‌دادم ولی به کافران بلا و گرفتاری نمی‌رساندم. اما خدا این کار را نکرده است و همه را به یک چشم دیده است. این تعبیر که خداوند در آیه فوق می‌فرماید: سقف خانه‌های کفار را از نقره یا طلا می‌ساختم، قابل تأمل است؛ یعنی ببینید اگر سقف خانه‌ای این‌طور باشد، بقیه امکانات رفاهی که در اختیار کفار است، چگونه خواهد بود؟! ولی خدا این کار را نکرده است و رنج را برای همه قرار داده است.
- تصور کنید اگر رنج و سختی در دنیا، فقط برای مؤمنان بود و کافران زندگی دنیوی راحت و بدون سختی و رنجی داشتند، چند نفر مؤمن باقی می‌ماند؟! امام صادق (ع) در توضیح آیه قبل می‌فرماید: اگر خدا این کار را می‌کرد (سقف خانه‌های کافران را از نقره قرار می‌داد)، تمام مردم کافر می‌شدند؛ لَوْ فَعَلَ لَكَفَرَ النَّاسُ جَمِيعًا (الزهد/ ۴۷) و در حدیث قدسی می‌فرماید: «اگر بنده مومن من محزون و دل شکسته نمی‌شد، دستاری از طلا به سر کافر می‌بستم؛ لَوْ لَا أَنْ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي نَفْسِهِ لَعَصَبْتُ الْكَافِرَ بِعَصَابَةٍ مِنْ ذَهَبٍ.» (علل الشرایع/ ۲/ ۶۰۴) پس خدا به ما لطف کرده و رنج را برای همه قرار داده است. اینکه رنج برای همه است، کمکی است که راحت‌تر رنج‌های دنیا را تحمل کنیم.
- یکی از سختی‌های اهل جهنم این است که می‌بینند هم در این دنیا سختی کشیده‌اند و هم در آن دنیا در رنج و عذاب هستند و تحمل این واقعیت برایشان خیلی سخت است.

**همراهی نظام هستی، کمک دیگر خدا به مومن برای پذیرش رنج‌های دنیا / توجه به سختی‌های زندگی**

**دنیا، کمکی برای پذیرش رنج‌ها**

- همراهی نظام هستی، کمک دیگری است که برای پذیرش رنج‌های دنیا به مؤمن می‌رسد. نظام خلقت و طبیعت به گونه‌ای است که پذیرش رنج و تحمل آن را ساده می‌کند. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه که نامه‌ای خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی (ع) است، به حقایقی از دنیا اشاره می‌کند که فهم دقیق و درست آن‌ها، کمک بسیار عالی و خوبی برای پذیرش رنج‌های دنیا است. این نامه سندی بالادستی محسوب می‌شود که یک دوره معارف دین است.

- حضرت در این نامه می‌فرماید: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقَرِّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمَرِ الْمُسْتَسْلِمِ [لِلذَّهْرِ الدَّامِ] لِلدُّنْيَا السَّاكِنِ مَسَاكِنَ الْمَوْتَى وَ الطَّاعِنِ عَنْهَا غَدَاً إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ غَرَضِ الْأَسْقَامِ وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ ...» (نهج البلاغه/نامه ۳۱) یعنی از پدری فانی و اعتراف‌کننده به گذشت زمان، کسی که زندگی را پشت سر گذاشته و در سپری شدن دنیا چاره‌ای نداشته و از پدری که فردا کوچ خواهد کرد به فرزندی که آرزومند چیزی است که به دست نمی‌آید، در دنیا هدف بیماری‌ها قرار دارد و در تیررس مصائب و گرفتاری‌های دنیاست...
- کسی که این ویژگی‌ها و صفات را در انسان و دنیا می‌بیند و به این سختی‌های زندگی دنیا توجه می‌کند خود به خود کمکی از بیرون برای پذیرش رنج‌ها دریافت کرده است.

### پذیرش رنج‌های دنیا، به معنای عدم برنامه‌ریزی نیست

- پذیرش رنج‌ها به معنای عدم تلاش و عدم برنامه‌ریزی برای حل مشکلات و برطرف کردن رنج‌ها نیست. برای برطرف کردن رنج، باید تلاش و برنامه‌ریزی کرد ولی اگر این برنامه‌ریزی را خدا به هم ریخت و به نتیجه نرسیدی، باز هم باید لبخند بزنی و راضی باشی.
- حتی برای رسیدن به علاقه‌ها هم باید برنامه‌ریزی کرد؛ خداوند می‌فرماید: «بِهَرَّةٍ خُودَتِ از دنیا را فراموش نکن؛ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (سوره قصص/۷۷) ولی اگر خدا حالت را گرفت و برنامه‌هایت را به هم زد، باز هم باید خوشحال و راضی باشی. از برخی رنج‌ها باید فرار کرد و بعضی از رنج‌ها را باید انتخاب کرد ولی در این میان اگر خدا برنامه‌ها را به هم زد، باز هم لبخند بزن. برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری لازم است ولی اگر خدا آنها را به هم زد، باید رضایت داشت. حضرت علی(ع) می‌فرماید «من خدا را آنجایی شناختم که تصمیم‌هایم را خراب می‌کرد؛ عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْحِ الْعَزَائِمِ؛ نهج البلاغه/حکمت ۲۴۷)

### یکی از علائم خودخواهی و هواپرستی این است که اگر زندگی سخت شد، از روی لج بازی، زندگی را سخت‌تر کنی

- یکی از علائم خودخواهی و هواپرستی این است که اگر زندگی سخت شد، از روی لج‌بازی، زندگی را سخت‌تر کنی. مثلاً کسی که خودکشی می‌کند، رنج و ناراحتی را نپذیرفته است و چون زندگی‌اش سخت شده، از روی لج‌بازی آن را به شدت بر خودش سخت‌تر می‌کند.
- اگر یک بخشی از تابلویی که کشیده‌اید، خراب شود؛ نباید کل آن را بشکنید و خراب کنید؛ چون فقط یک قسمت آن خراب شده بود، نه همه آن، ولی شما با این کار تمام آن را نابود کرده‌اید. این کار، یکی از علائم خودپرستی و هواپرستی و لج‌بازی با خدا است که انسان کل زندگی را خراب کند. باید قواعد بازی دنیا را بپذیرفت.
- در راه خدا باید رنج‌ها را بپذیرفت و از دوست‌داشتنی‌ها چشم‌پوشی کرد. اگر انسان از دوست‌داشتنی‌هایش به خاطر خدا بگذرد، کم‌کم نوبت خودش می‌رسد و باید از خودش هم بگذرد. و در زمان قربانی کردن «خود» بود که حوادث عاشورا رقم خورد...

